۵۶ - ايّها الرّجل الرّشيد

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۵۶ - ايّها الرّجل الرّشيد

ايّها الرّجل الرّشيد، اين خاکدان مرکز انقلاب است و اين جهان بی بنيان ميدان محن و آلام. دمی نگذرد مگر آنکه جام تلخی بدور آيد و روزی نيايد مگر آنکه آتش حسرتی برافروزد. لهذا اين نيستی هستی نما در نزد اهل بهاء حکم سراب دارد نه آب و ساغر رنگينش خالی و تهی از باده و شراب. پس دل بجهان ديگر بندند و از عالم ديگر بهره و نصيب خواهند. اين مصيبت کبری که بر اهل وفا روی داده چنان تأثير نموده که ديده ها مانند جوی اشکبار است و البتّه بر آن حضرت تأثير شديد نموده. ولی چون عاقبت اين قفسها تماماً درهم شکند و طيور بآشيان ملکوت اسرار پرواز نمايد و در شجره طوبی لانه و آشيانه نمايد، پس اين فراق را چنان وصالی در پی و اين حرمان را چنان روح و ريحانی در عقب. لهذا محزون مباشيد زيرا هجران نماند و دوری و مهجوری از ميان بر خيزد و اميدواريم که کلّ در مرکز جمال، ملکوت جلال، محفل وصال جمع گرديم.

